

Explanation of Major Approaches to Information Management and Analyzing its Consequences in Knowledge and Information Science

Gholamreza Heidari 

Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, Razi University, Kermanshah, Iran. (Corresponding author). gh.heidari@razi.ac.ir

Maryam Amiri 

M.A. in Knowledge and Information Science, Razi University, Kermanshah, Iran.
m.amiri.im98@gmail.com

Abstract

Purpose: The existence of different attitudes toward the concept of "information management, the multifaceted nature of this term, has created challenges in achieving consensus on its cognitive and practical aspects, as well as its role in education, research, and various scientific disciplines, particularly in knowledge and information science. It appears that there are diverse interpretations of the concept, topic, and phrase "information management, inconsistency and stagnation in the pursuit of a common goal in this regard. For example, a basic question in this context is: What topics should education and research in this field prioritize? Despite reviewing the literature, it is evident that a methodical and systematic approach to this issue has not been established. Consequently, a common goal in this field remains elusive, and efforts appear scattered and isolated. As a result, none of the studies and research conducted have even clarified the meaning of this phrase for us. This research has been conducted to address several key questions: What is the concept of information management? From what perspectives can information management be understood, and what are the primary approaches within this field? What is the underlying philosophy of information management? How does this field relate to knowledge and information science? What are the educational, research, and practical priorities in information management? Is there a consensus on these matters? The presence of these fundamental questions highlights the need for a methodical and systematic examination of the cognitive and conceptual dimensions of information management. In this context, this research aims to explain the main approaches to the concept of information management, exploring its significance and dimensions within a comprehensive framework. This stands in contrast to narrow and one-dimensional perspectives on the subject. Through this broader approach, the study seeks to clarify the role of information management within the fields of knowledge and information science, as well as the implications of various interpretations of the concept in this field.

Method: The research method employed is documentary-analytical, which primarily involves the use of texts and reflects on the classification of various viewpoints. This research aims to provide a comprehensive understanding of information management by exploring its major approaches. It delves into the fields of knowledge and information science, updating the concept within the context of the

Cite this article: Heidari, Gh. & Amiri, M. (2024). Explanation of Major Approaches to Information Management and Analyzing its Consequences in Knowledge and Information Science. *Sciences and Techniques of Information Management*, 10(4): 261-284. <https://doi.org/10.22091/STIM.2024.10788.2104>

Received: 2024-09-07 ; **Revised:** 2024-10-23 ; **Accepted:** 2024-12-02 ; **Published online:** 2024-12-26

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: University of Qom.



emerging information and knowledge society. The goal is to design a systematic framework for understanding the methods of information management.

Findings: In this research, we reflect on the significant perspectives and various attitudes toward information management, including individual, organizational, national, and international viewpoints, as well as their relationship with different categories of information. We explored every conceivable angle within this context. Continuing with a process-oriented approach to information management, we examined the project's themes in knowledge and information science, assessing our current position and priorities, as well as the underlying philosophy of information management. Ultimately, we focused on the general and cognitive aspects of information management, its role in knowledge and information science, and its scientific, technological, practical, managerial, and developmental implications. It became evident that information management requires a philosophical framework to effectively identify goals and priorities.

Conclusion: In this research, we emphasize the importance of developing a conceptual framework for information management within the field of knowledge and information science, in addition to outlining the primary approaches to information management. A clear understanding and definition of the concept of information management is decisive for effective planning in the educational, research, and technological aspects of knowledge and information science. It is argued that all subsequent consequences in the practical, managerial, developmental, and prospective aspects of information management are inevitable outcomes derived from the conceptual framework of information management. Finally, it has been emphasized that creating a conceptual system for this field necessitates careful consideration of the fundamental concepts and vocabulary. Understanding the essence of this field is crucial, as the establishment and advancement of a conceptual framework for information management in knowledge and information science demand a focus on these concepts and vocabulary, particularly in its contemporary form, which is both discursive and systematic.

Keywords: The concept of information management, Educational Consequences, Research Consequences, Major approaches, Conceptual system, Knowledge and information science.

تبیین رویکردهای عمده به مدیریت اطلاعات و تحلیل پیامدهای آن در علم اطلاعات و دانش‌شناسی

غلامرضا حیدری

دانشیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول). gh.heidari@razi.ac.ir

مریم امیری

کارشناسی ارشد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. m.amiri.im98@gmail.com

چکیده

هدف: وجود نگرش‌های مختلف نسبت به مفهوم «مدیریت اطلاعات» و چند وجهی بودن این عبارت، اتفاق نظر درباره ابعاد شناختی و کاربردی، آموزشی و پژوهشی، و جایگاه مدیریت اطلاعات در علوم مختلف به‌طور کلی و به‌طور خاص در علم اطلاعات و دانش‌شناسی را دشوار ساخته است؛ به‌طوری که به‌نظر می‌رسد برداشت‌های مختلفی از مفهوم، موضوع و عبارت «مدیریت اطلاعات» وجود دارد، که باعث ایجاد ناهماهنگی و ابستایی در رسیدن به هدفی مشترک در این باره می‌شود. برای نمونه یک سؤال اساسی در این مورد آن است که آموزش و پژوهش در این حوزه باید روی چه موضوعاتی تمرکز داشته باشد؟ این در حالی است که با بررسی متون روشن می‌شود که مواجهه روش‌مند و نظام‌مندی با این مسأله صورت نگرفته و هدف مشترکی در این زمینه قابل شناسایی نیست و تلاش‌ها متفرق و جزیره‌ای است؛ به‌طوری که سرجمع مطالعات و پژوهش‌ها تاکنون حتی مفهوم این عبارت را برای ما روشن نکرده است. از این‌رو، پژوهش حاضر در راستای پاسخ به این سؤالات شکل گرفته است که مفهوم مدیریت اطلاعات چیست؟ مدیریت اطلاعات از چه زوایایی قابل تصور است و رویکردهای عمده در این زمینه کدامند؟ فلسفه مدیریت اطلاعات چیست؟ جایگاه این حوزه در علم اطلاعات و دانش‌شناسی کجاست؟ و اولویت‌های آموزشی و پژوهشی و عملی مدیریت اطلاعات در این حوزه کدامند؟ آیا اصولاً اتفاق نظری در این موارد وجود دارد؟ وجود این سؤالات و مسائل اساسی، ضرورت توجه روش‌مند و نظام‌مند به ابعاد شناختی و مفهومی مدیریت اطلاعات را نمایان‌تر می‌سازد. در این راستا، این پژوهش بر آن است در مقابل نگاه‌های یک‌سویه و محدود، به مفهوم مدیریت اطلاعات، در یک چارچوب نسبتاً جامع، مفهوم «مدیریت اطلاعات»، رویکردهای عمده به این مفهوم، جایگاه و ابعاد آن را تبیین کند؛ و در ذیل این نگرش نسبتاً جامع، جایگاه مدیریت اطلاعات در علم اطلاعات و دانش‌شناسی و پیامدهای هرگونه برداشت از مفهوم مدیریت اطلاعات در این حوزه را نمایان سازد.

روش: روش پژوهش سندی-تحلیلی است؛ که در آن ضمن استفاده از متون، بیشتر حاصل تأمل بر دیدگاه‌ها و دسته‌بندی آن‌ها بوده است. این پژوهش با جامعیت بخشیدن به مفهوم مدیریت اطلاعات در قالب رویکردهای عمده، با

استناد به این مقاله: حیدری، غلامرضا؛ امیری، مریم (۱۴۰۳). تبیین رویکردهای عمده به مدیریت اطلاعات و تحلیل پیامدهای آن در علم اطلاعات

و دانش‌شناسی. *علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ۱۰(۴): ۲۶۱-۲۸۴. <https://doi.org/10.22091/STIM.2024.10788.2104>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۶

ناشر: دانشگاه قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



عمق بخشیدن به آن در قالب تمرکز بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی و روزآمد کردن این مفهوم در بستر جامعه جدید اطلاعاتی و دانشی، درصدد طراحی چارچوبی برای فهم روش‌مند و نظام‌مند مدیریت اطلاعات بوده است.

یافته‌ها: در این پژوهش با تأمل در زوایای قابل‌توجه و نگرش‌های مختلف نسبت به مدیریت اطلاعات مانند نگرش‌های رشته‌ای، فردی، سازمانی، ملی و بین‌المللی، و ارتباط آن با مقوله‌های مختلف در قالب ترکیبات اطلاعات، ابتدا زوایای کلی قابل‌تصور در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت؛ در ادامه نگرش فرآیندی به مدیریت اطلاعات، مباحث قابل طرح در علم اطلاعات و دانش‌شناسی، اینکه جایگاه ما کجاست و اولویت چیست، و فلسفه مدیریت اطلاعات، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. درنهایت، چارچوب کلی و شناختی مدیریت اطلاعات، و جایگاه آن در علم اطلاعات و دانش‌شناسی، شناسایی و پیامدهای آموزشی، پژوهشی، فناورانه، عملی، مدیریتی و توسعه‌ای آن در علم اطلاعات و دانش‌شناسی مورد توجه قرار گرفت. در نهایت مشخص شد که مدیریت اطلاعات برای شناسایی اهداف و اولویت‌ها به فلسفه اطلاعات نیاز دارد.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش علاوه بر تبیین رویکردهای عمده به مدیریت اطلاعات، بر ضرورت توجه به شکل‌گیری و توسعه یک سامانه مفهومی برای مدیریت اطلاعات در علم اطلاعات و دانش‌شناسی تأکید شده است؛ زیرا هرگونه شناخت و تصور از مفهوم مدیریت اطلاعات برای برنامه‌ریزی در ابعاد آموزشی، پژوهشی و فناورانه در علم اطلاعات و دانش‌شناسی تعیین‌کننده است. مدعا این است که همه پیامدهای بعدی در ابعاد عملی، مدیریتی، توسعه‌ای و آینده‌نگرانه مدیریت اطلاعات، پیامد حتمی و جبری سامانه مفهومی مدیریت اطلاعات و برآمده از آن است. در نهایت بر این نکته تأکید شده که در راستای ایجاد این سامانه مفهومی برای این حوزه، توجه به مفاهیم و واژگان پایه و اصلی و در واقع فهم چیرستی این حوزه ضروری است؛ زیرا ایجاد و توسعه یک سامانه مفهومی برای مدیریت اطلاعات در علم اطلاعات و دانش‌شناسی، مستلزم توجه به مفاهیم و واژگان و چیرستی این حوزه در شکل جدید آن، یعنی گفت‌مانی و سامانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت اطلاعات، سامانه مفهومی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، کتابداری.

۱. مقدمه

وجود نگرش‌های مختلف نسبت به مفهوم «مدیریت اطلاعات» و چند وجهی بودن این عبارت، اتفاق نظر درباره ابعاد شناختی و کاربردی، آموزش و پژوهش، و جایگاه مدیریت اطلاعات را دشوار ساخته است؛ به طوری که به نظر می‌رسد برداشت‌های مختلفی از موضوع و عبارت «مدیریت اطلاعات» وجود دارد، که باعث ایجاد ناهماهنگی و ایستایی در رسیدن به هدفی مشترک در این باره می‌شود. برای نمونه یک سؤال اساسی در این مورد آن است که آموزش و پژوهش در این حوزه باید روی چه موضوعاتی تمرکز داشته باشد؟ این در حالی است که با بررسی متون روشن می‌شود که مواجهه روش‌مند و نظام‌مندی با این مسأله صورت نگرفته و هدف مشترکی در این زمینه قابل شناسایی نیست و تلاش‌ها متفرق و جزیره‌ای است؛ طوری که سرجمع مطالعات و پژوهش‌ها تاکنون حتی مفهوم این عبارت را برای ما روشن نکرده است. از این رو لازم است سؤالات بنیادی‌تری در این زمینه طرح شود. در این راستا، ابتدا باید پرسید: مفهوم مدیریت اطلاعات چیست؟ و از چه زوایایی قابل بررسی است؟ اساساً فلسفه مدیریت اطلاعات چیست؟ اولویت‌های آموزشی و پژوهشی این حوزه کدامند؟ جایگاه این حوزه کجاست؟ آیا اصولاً اتفاق نظری در این موارد وجود دارد؟ وجود این سؤالات و مسائل، ضرورت توجه به ابعاد شناختی مدیریت اطلاعات را نمایان‌تر می‌سازد.

در یک نگاه اولیه برداشت‌های مختلفی از مدیریت اطلاعات قابل تصور است. برخی آن‌را همان کتابداری یا علم اطلاعات می‌دانند. گروهی آن‌را نمودی از نظریه‌های مدیریت و پارادایمی در مدیریت به حساب می‌آورند. گروه سومی که از نظر تاریخی در نظریه‌پردازی درباره اطلاعات پیشروتر هستند، اساساً نگاه فنی و تکنولوژیکی به اطلاعات دارند. آیا به‌راستی همین سه رویکرد ابتدایی و اولیه، خطوط اصلی جریان‌ها و رویکردهای عمده در مدیریت اطلاعات را نمایان می‌سازد؟ در این صورت، چرا مدیریت اطلاعات در حال حاضر بیشتر یک مفهوم و عبارت بسیار کلی به نظر می‌رسد که هم از نظر موضوعی شامل موضوعات زیادی در حوزه‌های مختلف مانند مدیریت، علم اطلاعات، فناوری اطلاعات و یا هر رشته‌ی دیگر می‌شود و هم از نظر گستره کار در یک حوزه خاص مثل علم اطلاعات و دانش‌شناسی، آنقدر متنوع و وسیع بوده که هر فرد ممکن است صرفاً از زاویه دید خود به این موضوع بپردازد؟ با توجه به موارد فوق، و در سطحی تخصصی‌تر، در علم اطلاعات و دانش‌شناسی این سؤالات وجود دارد که منظور از مدیریت اطلاعات در علم اطلاعات چیست؟ دامنه این موضوع تا کجاست؟ آموزش و به‌خصوص پژوهش در مدیریت اطلاعات باید روی چه موضوع یا موضوعاتی باشد؟ در این راستا، و در جستجوی یافتن پاسخ به سؤالات مربوط به چیستی و جایگاه مدیریت اطلاعات در علم اطلاعات و پیامدهای آموزشی، پژوهشی و فناورانه آن، باید بدانیم

از قبل و تاکنون چه دیدگاه‌هایی مطرح شده و چه نگرش‌هایی در مورد مدیریت اطلاعات وجود دارد و چه زوایایی در این رابطه قابل تصور است. این جستجو با بررسی پیشینه‌ها آغاز می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد تاکنون در این حوزه کم و بیش مطالعاتی انجام شده که تنها گویای ابعادی از موضوع پژوهش هستند. برای نمونه مرادی و آصف‌زاده (۱۳۸۳) بر این باورند که تعریف قابل قبولی از مدیریت اطلاعات در سطح جهان ارائه نشده است. در حالی که اساساً تصور تعریف ارسطویی و دقیق در دنیای امروز نوعی بیراهه‌روی و حاکی از به‌روز نبودن دانش پژوهشگران است. در پژوهش بصیریان جهرمی و بصیریان جهرمی (۱۳۸۸) به دو نگاه مدیریتی و علم اطلاعاتی به مدیریت اطلاعات اشاره شده است. کاتور^۱ (۲۰۱۲) معتقد است که اصطلاح مدیریت اطلاعات در علوم رایانه مترادف با مدیریت فناوری اطلاعات یا مدیریت داده؛ در تجارت یا مطالعات مدیریتی، معنایی شبیه به مدیریت فناوری؛ و در حوزه علم اطلاعات به بازار نوظهور برای مدیران اطلاعات، تعریف می‌شود.

صباعی‌نژاد و حیدری (۱۳۹۴) در پانزده تعریف از مدیریت اطلاعات، ضمن نقل تعاریف مدیریت اطلاعات، با بررسی بسامد کلمات و عبارات موجود در تعاریف پیشین، درصدد فهم جامع‌تر از مفهوم مدیریت اطلاعات برآمده‌اند. پژوهش خادمی و حیدری (۱۳۹۵) نیز نشان داد که حوزه مدیریت اطلاعات بیشتر متعلق به حیطه علم اطلاعات و علم کتابخانه است تا علوم دیگر مانند علوم رایانه. نتایج پژوهش فریتاس و یابر^۲ (۲۰۱۸) نشان داد که مدیریت اطلاعات عاملی تعیین‌کننده در نظام‌های مدیریت دانش است و به‌عنوان عاملی موفق برای نظام‌های مدیریت دانش، مسئولان را در فرآیند تصمیم‌گیری یاری می‌رساند. از دیدگاه شارما، رانا و نانکو^۳ (۲۰۲۱)، موضوعاتی مانند مدیریت دانش، مدیریت زنجیره تأمین، مدیریت امنیت اطلاعات، مدیریت محیط‌زیست، مدیریت پروژه، مدیریت خدمات، مدیریت برنامه‌های کاربردی، مراقبت‌های بهداشتی و مدیریت فناوری، از حوزه مدیریت اطلاعات ظهور می‌کنند. دادخواه و کاهانی (۱۳۹۶) با ارائه تعریف صریح مفاهیم با استفاده از فناوری وب معنایی، از طریق به‌کارگیری هستان‌نگارها، و روجاس، کاتوری و کانسنسکی^۴ (۲۰۲۱) با ارائه برنامه‌های فناوری اطلاعات برای توانمندسازی شرکت‌ها در رقابت‌های تجاری،

1. Kaur

2. Freitas & Yaber

3. Sharma, Rana & Nunkoo

4. Rojas, Kathuria & Konsynski

نگاهی تکنولوژیکی به مدیریت اطلاعات دارند. این نگرش‌ها به اندازه همه رشته‌ها و علوم مختلف گسترده و متنوع است. به‌طور کلی تعدادی از پژوهش‌ها به ثابت و قابل قبول نبودن تعریف مشخص و ثابت از مفهوم مدیریت اطلاعات باور دارند؛ برخی دیگر به ارتباط و همپوشانی مدیریت اطلاعات با دیگر علوم توجه بیشتری داشته‌اند؛ دسته دیگری از پژوهش‌ها نیز به نقش مدیریت اطلاعات در شکل‌گیری و یا توسعه دیگر زمینه‌های علمی مانند اشکال مدیریت، فناوری و تجارت پرداخته‌اند. در مجموع می‌توان گفت اگرچه پژوهش‌هایی در ابعاد مختلف مدیریت اطلاعات و با رویکردهای مختلف انجام شده، اما در مورد این مفهوم و جایگاه آن مطالعات اندکی وجود دارد که از آن میان، هیچ‌یک به‌صورت روش‌مند، نظام‌مند و جامع به این موضوع نپرداخته‌اند.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر سندی-تحلیلی است و سعی بر آن بوده تا با جستجوی منابع چاپی و الکترونیکی و استفاده از اسناد و مدارک، و در ادامه با تأمل بر متون و دیدگاه‌ها و دسته‌بندی آن‌ها، رویکردهای عمده به مدیریت اطلاعات شناسایی، تدوین و ارائه شود.

۴. یافته‌ها: نگرش‌های مختلف به مدیریت اطلاعات: زوایای قابل تصور کدامند؟

آیا می‌توان به این حوزه به‌عنوان نوعی مدیریت (ازجمله مدیریت کتابخانه‌ها و اطلاعات) نظر کرد؟ به‌عنوان بخشی از تک‌تک رشته‌ها چطور؟ به‌عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای؟ از زاویه دید سازماندهی اطلاعات و دانش که روایت مرسوم متخصصان سازماندهی است هم، این حوزه قابل تصور است. نگرش فرآیندی به مدیریت اطلاعات زاویه دیگری است. به‌عنوان یک رشته چطور؟ به‌نظر می‌رسد مدیریت اطلاعات حتی به‌عنوان یک رشته هم کلی به‌نظر می‌رسد. هرکس در هر جایی می‌تواند ادعا کند به مدیریت اطلاعات می‌پردازد. چنانچه به‌عنوان نامی کلی برای رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی در نظر گرفته شود، در آن صورت، چالش‌های کلی رشته که در ابعاد شناختی و کاربردی علم اطلاعات و دانش‌شناسی وجود دارد، مطرح می‌شوند. از زاویه دید مدیریت دانش هم که نگاه شود، مسائل قابل طرح در مدیریت دانش اهمیت پیدا می‌کنند. متون و نوشتارها درباره مفهوم و مباحث هسته در ذیل «مدیریت اطلاعات» چه می‌گویند؟ جستجوی وب، مقالات، کتاب‌ها و نوشتجاتی که با این عبارت معرفی شده‌اند، در این مورد ضروری است. به‌علاوه نگرش‌های دیگر و بیشتر که در این مورد قابل تصور است، عبارتند از: نگرش فردی و شخصی، نگرش گروهی و سازمانی، نگرش ملی، نگرش بین‌المللی، نگرش رشته‌ای، نگرش فرآیندی در یک حوزه خاص، نگرش مدرک‌گرا. این زوایا همچنان قابل قبض و بسط هستند. هرچند هریک از این

منظرها قادرند ابعادی از مسائل مدیریت اطلاعات را برای ما روشن کنند؛ اما باید دانست که طرح نگرش‌ها و زوایای مختلف درباره مدیریت اطلاعات می‌تواند مثل یک شمشیر دو لبه عمل کند. از طرفی، ممکن است منجر به سردرگمی شود و پژوهشگر در میان این زوایا سرگردان بماند و از سوی دیگر و در صورت تشخیص فلسفه مدیریت اطلاعات در هر بستر خاص، و شناسایی مسائل مهم و اولویت‌ها، با کمترین تلاش به بهترین و بیشترین نتایج دست پیدا کند. این هدف‌گیری و جهت‌گیری نسبت به اولویت‌ها، تنها در صورتی میسر خواهد شد که چرایی و فلسفه توجه به مدیریت اطلاعات در هر حوزه‌ای دانسته شود. پس، برای اینکه زاویه دید خود را پیدا کنیم، باید فلسفه و هدف مدیریت اطلاعات در رشته خود را درک نماییم. در ادامه نگرش فرآیندی به مدیریت اطلاعات مورد توجه قرار گرفته است.

۴-۱. نگرش فرآیندی به مدیریت اطلاعات

مدیریت اطلاعات به صورت سنتی و در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی شامل مدیریت فرآیند کلاسیک اطلاعات می‌شود. این فرآیند در دروس پایه کتابداری و علم اطلاعات به صورت مجموعه‌سازی، سازماندهی و مرجع نمود یافته بود. این فرآیند در یک مرحله دیگر شامل برخی موارد دیگر و بیشتر هم شد. در یک نگاه جدیدتر می‌توان این فرآیند را از محدودیت‌های تاریخی و موضوعی خارج کرد و موارد دیگری را هم به آن افزود؛ و مهم‌ترین فرآیندهای سنتی و نوین اطلاعات و دانش را می‌توان شامل موارد زیر دانست؛ هرچند ادعایی در مورد کامل بودن این فرآیند وجود ندارد و همچنان قابل قبض و بسط است: تولید اطلاعات، شناخت نیازها، منابع و خدمات اطلاعاتی، گردآوری اطلاعات، سازماندهی اطلاعات، اشاعه اطلاعات، جستجوی اطلاعات، دسترسی به اطلاعات، استفاده از اطلاعات، ارزیابی اطلاعات. اما آیا کار روی چرخه اطلاعات سودمند است؟ چون هدف اطلاعات در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، فرهنگی و غیرانتفاعی بوده و عنصر اقتصادی در آن ناپیدا است، این سؤال همچنان ادامه پیدا می‌کند! مسلماً این کار در صورتی سودمند خواهد بود که تعریف اطلاعات و هدف آن مبتنی بر یک بستر و موضوع خاص باشد. یعنی فلسفه‌ای برای آن وجود داشته باشد. چنانچه هدف و تعریف اطلاعات اقتصادی باشد، ولیکن در عمل روی اطلاعات حقوقی تمرکز صورت بگیرد، نتیجه شایانی به دست نخواهد آمد. کار روی فرآیند اطلاعات بدون هدف و انگیزه خاص، پژوهشگر و جامعه را دچار آلودگی اطلاعاتی و بی‌نتیجه بودن تلاش‌ها می‌کند. مفاهیم اطلاعات و دانش بسیار فرار و گسترده بوده و بدون تعیین حد و مرز و هدف مشخص، در بسترهای موضوعی مختلف نتیجه‌گرفتن از آن‌ها ناممکن است. تأکید بر مدیریت اطلاعات به طور کلی و بدون تأکید بر بستری مشخص ممکن است به بی‌محتوایی منجر بشود. هرچند علم اطلاعات

در معنای اخص خود بیشتر به دانش مدون و مضبوط و مدرک^۱ نظر دارد.

نکته مهم دیگری که در نگرش فرآیندی هم مثل محورهای قبلی همچنان اهمیت دارد، موضوع اولویت‌بندی و توجه به پارادایم غالب است. به‌راستی کدام یک از موارد ذکر شده در فرآیند اطلاعات، باید در اولویت قرار بگیرد؟ در طول تاریخ، این تغییر پارادایم‌ها وجود داشته و اولویت‌ها را تغییر داده است. رویکرد انبارداری، رویکرد ایجاد مجموعه هرچه بزرگ‌تر بهتر، رویکرد سازماندهی، رویکرد استفاده و اشاعه و مانند آن. باید دید در حال حاضر چه چیزی برای ما اهمیت دارد. باید نقطه تمرکز و مطالعه خود را بشناسیم. اکنون بحث استفاده و اشاعه مطرح است: استفاده برای کاربران و اشاعه برای مدیران و متخصصان اطلاعات و دانش. پارادایم استفاده؛ اولویت آموزشی، پژوهشی و مدیریتی ما را روشن می‌کند و بیانگر آن است که این نقطه در کلیت فرآیند و چرخه اطلاعات در زمان ما اهمیت بیشتری دارد (حیدری، ۱۴۰۱). یک نوع دیگر از نگرش فرآیندی به مدیریت اطلاعات، توجه به آن در قالب پیوستار داده-اطلاعات-دانش-خرد است. که در اینجا مورد توجه قرار نگرفته است.

۴-۲. مباحث قابل طرح در علم اطلاعات و دانش‌شناسی

مسئله‌ای که اکنون درباره اطلاعات مطرح است، در طول تاریخ در مورد ابعاد مختلف علم و دانش به‌طور کلی هم، مطرح بوده است. در کل، در نگاه اول به‌نظر می‌رسد مانند تقسیم‌بندی پیتز دراکر^۲ از جامعه جدید که شامل دانشکاران و مدیران است، می‌توان موضوع را به ابعاد نظری و عملی تقسیم‌بندی کرد؛ اما در یک رویکرد تاریخی می‌توان پرسید که به‌راستی مدیریت اطلاعات هم مثل مدیریت علم و دانش مستلزم چه نوع دانشی است؟! فلسفه اطلاعات، تاریخ اطلاعات، جامعه‌شناسی اطلاعات، سیاست‌گذاری اطلاعات، روان‌شناسی اطلاعات یا اقتصاد اطلاعات؟ در عصر جدید برخی ادعا کردند که تاریخ و فلسفه علم که تاکنون متکفل مطالعات علم و دانش بوده‌اند، دیگر پاسخگوی مطالعه و مدیریت علم و دانش نیستند؛ بنابراین، تصمیم گرفتند آن‌را جامعه‌شناسی کنند و مدیریت علم و دانش هم از دل همین رویکرد جامعه‌شناختی، واقع‌گرایانه و زمینی به علم و دانش ظهور یافت. سپس، حتی فارغ از برداشت‌های جامعه‌شناسی‌گرایانه، به «مطالعات علم و فناوری» روی آوردند که جامعه‌شناسی‌گرا، روان‌شناسی‌گرا یا اقتصادگرا نباشد و در عین حال از همه این رویکردها بهره‌بردار. در این راستا، می‌توان این سؤالات را مطرح کرد که آیا در مورد اطلاعات هم جامعه‌شناسی آن اهمیت دارد؟ یا مطالعه اطلاعات به‌طور کلی و فارغ از جهت‌گیری‌های رشته‌ای؟

1 Document

2. Peter Drucker

به هر حال در یک نگاه جدید و در رویکرد اطلاعاتی (علم اطلاعات و دانش‌شناسی) می‌توان مقوله‌های قابل طرح را از محدودیت‌های گذشته و کنونی خارج کرد. تک‌تک مفاهیمی که با اطلاعات ترکیب می‌شوند (حیدری، ۱۴۰۱) را می‌توان به‌عنوان سرتیترهایی در نظر گرفت که می‌شود آن‌ها را در مقوله مدیریت اطلاعات مطرح کرد. اینکه اولویت را به چه موضوعاتی بدهیم، به تشخیص و هدف ما و به‌طور کلی فلسفه ما بستگی دارد. روال معمول ارائه مباحث برای ما همواره با این سرتیترها خود را نشان می‌دهد: مفهوم یا مفاهیم مدیریت اطلاعات، تاریخچه مدیریت اطلاعات، فلسفه مدیریت اطلاعات یا اطلاعات و بازگشت به خویشتن و درک فلسفه، چرا مدیریت اطلاعات (و دانش) چرایی‌های آغازین! استفاده از اطلاعات، به‌عنوان کانون بحث مدیریت اطلاعات.

در سطح وسیع‌تر می‌توان همه ترکیبات اطلاعات را به‌صورت زیر به‌عنوان سرتیترهای اصلی ارائه کرد: مفهوم یا مفاهیم اطلاعات یا مدیریت اطلاعات (مدیریت اطلاعات چیست؟) چیستی؛ فلسفه اطلاعات یا فلسفه مدیریت اطلاعات = چرا مدیریت اطلاعات؟ چرایی؛ نظریه‌های اطلاعات؛ تاریخ اطلاعات = تاریخچه مدیریت اطلاعات؛ کتاب‌شناسی مدیریت اطلاعات؛ جامعه‌شناسی اطلاعات؛ آموزش در اطلاعات؛ پژوهش در اطلاعات، جایگاه اطلاعات؛ امنیت اطلاعات؛ فناوری اطلاعات؛ سواد اطلاعاتی؛ اخلاق اطلاعات؛ شناخت نیازها، منابع و خدمات اطلاعاتی؛ جامعه اطلاعاتی؛ مشاوره اطلاعاتی؛ سیاست اطلاعاتی؛ مراکز و نهادهای اطلاعاتی؛ فرآیندهای اطلاعات؛ نظام‌های اطلاعاتی؛ چالش‌های اطلاعاتی؛ اقتصاد اطلاعات؛ رفتارهای اطلاعاتی؛ ارزیابی اطلاعات؛ اولویت‌های اطلاعاتی؛ آینده اطلاعات.

۴-۳. جایگاه ما کجاست؟ اولویت چیست؟

در اینجا، جایگاه ما در مدیریت اطلاعات، در دو بُعد ملی و رشته‌ای مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، باید دید نتیجه عملی ارائه این بحث چیست؟ مدیریت کلان و ملی اطلاعاتی در جامعه در دست کیست؟ کجای مدیریت اطلاعات به ما مربوط می‌شود؟ مدیریت در کتابخانه‌ها چه مقدار از زیرساخت‌ها و اختیارات تحول را در اختیار دارد؟ از کل زیرساخت‌ها سهم ما چقدر است؟ فرهنگ؟ ساختار سازمانی؟ فناوری اطلاعات و ارتباطات؟ بودجه؟ نیروی انسانی؟ رهبری؟ و دیگر عناصر و زیرساخت‌های اصلی در اختیار چه کسانی است؟ آیا حداقل از نیروی انسانی و دانش در قالب گفتار و نوشتار می‌توان استفاده کرد؟ در یک نگاه ابتدایی و کلی آنچه خودنمایی می‌کند، این است که:

- فرهنگ متولیان زیادی دارد. بخش عمده‌ای از آن هم در قلمرو دین و روحانیان است که با سنت و مذهب رسمی جامعه همخوانی دارد.
- سخت‌افزارها و نرم‌افزارها عمدتاً در قلمرو متخصصان رایانه و فناوری قابل شناسایی و تصور است.

- بودجه و مسائل مالی را دولت مردان کنترل و مدیریت می کنند و در این بین مسائل فرهنگی و دانش و اطلاعاتی در معنای امروزی آن معمولاً در سرمایه گذاری ها در اولویت قرار نمی گیرند.
- مدیریت مراکز اطلاعاتی هم در برخی موارد به دست غیرمتخصصان انجام می شود؛ یا هوشمندانه انتخاب و گزینش نمی شوند؛ البته آگاهی های مدیریتی در اختیار همه هست.
- در کار با دانش نهان و ذهنی هم که در مدیریت دانش مطرح است، متخصصان علوم شناختی و روان شناسان مزیت رقابتی دارند؛ و این به خاطر آگاهی بیشتر آن ها از فرایندهای ذهنی و شناختی است؛ البته این همه مسأله نیست و ما در تبدیل و مستندسازی دانش می توانیم نقش برجسته ای داشته باشیم.
- آیا هنوز ما فقط می توانیم در این باره صحبت کنیم؟ آیا تنها کلام باقی می ماند؟ و گفتمان سازی؟ البته قدرت کلام و گفتمان سازی در رویکرد اجتماعی و انسانی را هم نباید دست کم گرفت. فوکو^۱ عقیده دارد که با کلام می توان جهان را تغییر داد.
- جایگاه دانش مدون و ارتباط آن با انسان و اجتماع و ابعاد شناختی و کاربردی این موضوع در این بین کجاست؟

با توجه به موارد فوق، در یک نگاه آرمانی، زمانی می شود گفت ما می توانیم اطلاعات را مدیریت کنیم که در وهله اول راهبردها و مدیریت کلان اطلاعات با ما باشد و در وهله دوم دانش و مهارت فناوری و ابزارهای مدیریت اطلاعات هم در بین ما وجود داشته باشد. اکنون این دو مورد در جامعه علم اطلاعات و دانش شناسی ضعیف برآورد می شود. مدیریت کلان اطلاعات با قدرت و حکومت در پیوند است که کتابداران نقش عمده ای در آن ندارند و دانش فناوری آن ها نیز معمولاً سطحی و درجه دوم است؛ هرچند نسبت به دیگر حوزه ها تا حدودی برتر هستند. از طرفی، بخش عمده ای از مسائل مربوط به مدیریت اطلاعات به اجرا و پول برمی گردد که در اختیار دولت مردان و اقتصاددان هاست. کتابخانه ها و مراکز اطلاعاتی سازمان هایی درجه دوم هستند و بودجه و مدیریت مستقل ندارند. موانع عملی و مسائل مالی در اینجا نمود بیشتری دارد، تا مسائل پژوهشی و علمی! با این تحلیل، این سؤال پیش می آید که پس «مدیریت اطلاعات» چگونه در رشته ما موضوعیت پیدا می کند؟ آیا پژوهش ها و گزارش های مدیریت اطلاعات در علم اطلاعات، تاکنون دری از درهای بهشت اطلاعات را به روی ما گشوده اند؟ مطمئناً نمی توانیم آرمان گرایانه نگاه کنیم و می دانیم که علم قدم به قدم پیش می رود. اما آیا این قدم های آرام و حتی کوتاه برداشته شده است؟ به راستی جایگاه و چارچوب کاری ما کجاست؟

در ادامه سؤالاتی که درباره جایگاه ما در مدیریت اطلاعات با رویکرد رشته ای وجود دارد،

می‌توان پرسید که در رشته ما فلسفه و هدف مدیریت اطلاعات چیست؟ یک نگرش معمول و شناخته شده به مدیریت اطلاعات، نگرش فرآیندی به تک‌تک مقوله‌هایی است که در فرآیند اطلاعات در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی اتفاق می‌افتد؛ اما چیزی که موضوع را دشوار می‌سازد، تشخیص و درک اولویت اصلی در این چرخه است. به علاوه، همانند مقوله‌های مطرح در این فرآیند، محورهای گسترده و مباحث قابل طرح زیادی در قلمرو مدیریت اطلاعات و برای آموزش و پژوهش در این حوزه قابل تصور است، اما این سؤال همچنان باقی می‌ماند که در بین محورهای وسیع موجود، کدام مقوله در اولویت است؟

راه برون‌رفت از این مسأله، توجه به پارادایم غالب و تمرکز بر آن در مدیریت اطلاعات است. اینکه نقش ما در مدیریت اطلاعات چیست؟ و اولویت با کدام موضوع است؟ به دو صورت دیگر نیز قابل بررسی است. یعنی به دو صورت می‌توان در پی پاسخ درباره جایگاه خود باشیم: چنانچه رویکرد بیرونی و برون حوزه‌ای داشته باشیم، این سؤال پیش می‌آید که چه مقدار از زیرساخت‌ها در اختیار ما است؟ البته باید دانست که این موضوع چیزی از مسئولیت ما کم نمی‌کند. باید تلاش کنیم تا جایگاه خود را بهتر بشناسیم و در شأن آن جایگاه، انجام وظیفه کنیم. چاره کار آن است که در کنار تک‌تک مقوله‌ها و زیرساخت‌های اصلی، ما هم نقش و وظیفه خود را در حد توان انجام بدهیم و پیگیر باشیم. در بُعد درونی و نگاه درون حوزه‌ای هم باید با شناخت صحیح از خود، بر نقاط اصلی و کانونی تمرکز کنیم. باید شناخت خود را در سه بُعد نظر، عمل و فناوری توسعه دهیم. به خصوص در قدم اول با بسط ابعاد شناختی به فلسفه و چرایی‌ها، چیستی‌ها و تعریف مفاهیم و واژگان و تحلیل تاریخی مدیریت اطلاعات پردازیم. پس، توسعه هر سه بُعد نظر، عمل و فناوری در مدیریت اطلاعات لازم و ضروری است. البته به نظر می‌رسد نخست باید ابعاد نظری را توسعه داد! و از دل آن، اولویت‌های عمل را بیرون کشید و معرفی کرد.

به نظر می‌رسد بخش‌هایی از ابعاد نظری به خصوص با رویکرد کتاب‌شناختی، عینی و مدرک‌گرا و در چارچوب کلی علم و دانش به ما مربوط می‌شود. نام این محدوده را «جهان دانش مدون» می‌گذاریم. بخش‌هایی از کاربرد دانش هم مورد تأکید پیشگامان رشته است. مؤید این نظر عباراتی است که یورلند (۱۳۸۱)، فلوریدی (۲۰۰۴) و ورسینگ^۱ (۱۹۹۳) به ترتیب در توصیف رشته مورد استفاده قرار داده‌اند: معرفت‌شناسی کاربردی، فلسفه کاربردی اطلاعات و کاربرد دانش پست‌مدرن. یک رویکرد دیگر برای شناسایی و تعیین جایگاه ما، نگرش تاریخی است. با یک نگاه تاریخی

می‌توان پرسید که تاریخ مدیریت اطلاعات چه درسی به ما می‌آموزد؟ نگاه سنتی، مدرن و پست‌مدرن به مدیریت اطلاعات، چه پیغام‌هایی برای ما دارد؟ آیا اگر مفهوم اطلاعات در رشته ما دانش مدون و مضبوط است، باید تاریخ مدیریت اطلاعات و دانش مدون را بررسی کنیم؟! چرا رگه اصلی کار ما در طول تاریخ نادیده گرفته شده است؟ و این نقص چه صدمه‌ای به عمل ما وارد می‌کند؟ به نظر می‌رسد باید تاریخ رشته را در قالب مفهوم دانش مدون و مضبوط بازسازی و بازنویسی کنیم و مورد بازاندیشی قرار دهیم، تا ابعاد شناختی مدیریت اطلاعات روشن‌تر شود، و راهنمای عمل ما قرار بگیرد (محمدیاری، ۱۴۰۰).

ابعاد این مسأله را می‌توان خیلی بیشتر از این‌ها گسترش داد. در اینجا فقط به چند مورد از مهم‌ترین موارد اشاره و اکتفاء شده است. باید دید چرا به این موضوع پرداخته می‌شود؟ بازنگری در فلسفه و هدف، اولین قدم است. در واقع درک فلسفه‌هاست که انگیزه و تحرک ایجاد می‌کند. پس، لازم است فلسفه و تعریفی حداقلی برای خود داشته باشیم. دیگر اینکه نباید فراموش شود که باید مرتب آن‌را بازنگری و تقویت کنیم، وگرنه راه به جایی نخواهیم برد. اینکه اخیراً مُد شده که در رسانه‌ها می‌گویند ما سند داریم، یک برداشت گم و ایستا از چشم‌اندازها و اهداف است. سند و برنامه بسیار خوب و لازم است، اما ناکافی است. باید بدانیم مسأله به اینجا ختم نمی‌شود. مرتب باید روی آن کار شود. باید مثل یک موجود زنده با آن برخورد شود. خون تازه می‌خواهد تا زنده بماند و با ما همراهی کند. یک برنامه مرده و ناهوشمند برای عصر تغییر و پویایی و دانش و هوش به کار نمی‌آید.

۴-۴. فلسفه اطلاعات یا فلسفه مدیریت اطلاعات: چرایی‌ها و پاسخ به چرایی‌ها

مطمئناً در تمامی مواردی که تا اینجا مطرح شد، باید به فلسفه و هدف توجه کرد و با از هر دری سخنی، راه به جایی نخواهیم برد. هر نگرشی هم که داشته باشیم، برای مثال چنانچه فرآیندی به مسأله نگاه کنیم، یا مباحث قابل طرح در رشته را در نظر بگیریم، در هر حالت ممکن است در گستره موضوعات متنوع، راه خود را گم کنیم. چاره کار، درک فلسفه و اولویت‌ها است. اولویت‌بندی و یافتن نقطه کانونی و مورد تأکید در گستره فرآیند، با تشخیص فلسفه و هدف و پارادایم غالب (استفاده و توزیع و اشاعه اطلاعات) میسر می‌شود.

در یک نگاه علمی و رشته‌ای به تعداد همه رشته‌ها و مقوله‌ها می‌توان به فرآیند اطلاعات و مدیریت آن توجه کرد. چنانچه از ابتدا هدف و فلسفه کار در چارچوب کلی علم روشن باشد و آگاهانه یک موضوع یا رویکرد انتخاب شود، در مراحل بعدی هیچ‌گونه اغتشاش و مشکلی به بار نخواهد آمد. در این صورت، یک فلسفه کلی و غالب وجود دارد که هدف، اولویت‌ها و وظایف را مشخص می‌کند و در ذیل آن سامانه کلی، زیرمجموعه‌ها هم باید برای خود فلسفه و هدفی تعریف

کنند، تا بتوانند مسیر خود را به درستی شناسایی نموده و نسبت به فرآیند کار دچار سردرگمی نشوند. این انتخاب‌های آگاهانه و مبتنی بر هدف، باید تا آخرین مراحل توجه به مدیریت اطلاعات ادامه پیدا کند. با توجه به اینکه در اینجا، بیشترین تنوع در نگرش به مفهوم مدیریت اطلاعات، در سطح رشته‌ای است. بنابراین، هر رشته‌ای باید ابتدا به فلسفه مدیریت اطلاعات در رشته خود دقت کند. برای مثال، در انتخاب میان ترکیب فعلی مدیریت اطلاعات، هر فرد یا رشته در هر یک از رشته‌های مدیریت و اطلاعات باید یکی از این دو را انتخاب کند: فلسفه اطلاعاتی و توجه به اطلاعات، فلسفه مدیریتی و توجه به مدیریت. روشن است که فلسفه کار در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، توجه به اطلاعات است و مدیریت در درجه دوم اهمیت و در ذیل آن قرار می‌گیرد.

مدیریت اطلاعات به فلسفه اطلاعات نیاز دارد. تأثیرپذیری مدیریت اطلاعات از فلسفه اطلاعات در سطوح بالاتر و برای مثال در سطح ملی را با چند مثال می‌توان روشن‌تر بیان کرد: برای مثال خط‌مشی‌های کلان و فرهنگ و نگرش‌های بنیادین ملی و مذهبی تعیین‌کننده هستند. آیا هدف از مدیریت اطلاعات ارتقاء و اعتلای معنوی انسان و جامعه است؟ آیا هدف، کسب قدرت، ثروت یا شهرت است؟ آیا می‌خواهیم یک نگرش متوازن و همه‌جانبه به موارد فوق داشته باشیم؟ و یا علاوه بر رعایت تعادل و توازن، باز هم نیاز به اولویت‌بندی نگرش‌ها داریم؟ خلاصه قبل از هر اقدام عملی باید تکلیف را روشن کرد. فلسفه به چرایی‌ها و چرایی‌ها پاسخ می‌دهد. آگاهی‌بخش و انسجام‌بخش است و انگیزه می‌دهد. اولویت‌ها را مشخص و مفاهیم را تعریف می‌کند و حتی چارچوب اجرا را تعیین نموده و راه را نشان می‌دهد. برای همین باید دانست که در کشور ما هدف چیست و چه نوع اطلاعاتی بیشتر تولید می‌شود؟ اطلاعات مذهبی؟ یا اطلاعات اقتصادی؟ هدف این اطلاعات تولیدی یا وارداتی چیست؟ ما به چه نوع اطلاعاتی نیاز داریم؟ اولویت‌های اطلاعاتی ما را فلسفه ما روشن می‌کند. آیا مدیریت اطلاعات بدون توجه به این نگرش‌های کلان می‌تواند راه خود را برود و با وجود تناقض‌های موجود، اطلاعات را به بهترین وجه مدیریت کند؟ همچنین این سؤال پیش می‌آید که این حوزه می‌خواهد چه نوع اطلاعاتی را مدیریت کند؟ اطلاعات فرهنگی؟ اطلاعات اقتصادی؟ یا چیز دیگری را؟

۵. نتیجه‌گیری: طراحی یک چارچوب شناختی برای عمل، آموزش و پژوهش در مدیریت اطلاعات

همان‌طور که تا اینجا هم مشخص شد، متأسفانه تاکنون تلاش نظام‌مند و روش‌مندی برای تبیین مفهوم «مدیریت اطلاعات» در رشته ما صورت نگرفته است. غیر از دو نگاه معمول مدیریتی و اطلاعاتی، به صورت تاریخی، گاهی این مفهوم بیشتر به معنی تلاش برای مدیریت فناوری و فناوری

اطلاعات، به کار گرفته می‌شود. با این حال، ابهامات و اختلاف‌نظرها در این مورد زیاد بوده و پراکنده‌کاری در آموزش و پژوهش و عمل نتیجه آن است. واقعیت این است که هم مدیریت و هم اطلاعات در بسترهای مختلف کاربرد دارند. مدیریت در دل همه حوزه‌ها و مسائل حضور دارد، اطلاعات هم بخش عمده‌ای از همه حوزه‌ها و مسائل است. گستردگی و پیچیدگی این مفاهیم با ترکیب این دو اصطلاح، حداقل دو برابر می‌شود. این یکی از دلایل دشوارشدن درک و کاربرد مفهوم مدیریت اطلاعات است. به علاوه سؤالات زیادی در این باره وجود دارد که قبل از ارائه هرگونه برنامه آموزشی، باید به آن‌ها پاسخ داده شود. برای مثال آیا در بحث مدیریت اطلاعات، باید به مسائل مدیریتی بیشتر توجه شود؟ یا به مسائل اطلاعاتی؟ برخی از مسائل مدیریتی عبارتند از: مدیریت منابع انسانی، مدیریت منابع سازمان‌ها، برنامه‌ریزی، نظام‌های اطلاعات مدیریت، بازاریابی، عوامل سیاسی، اجتماعی، حقوقی و اخلاقی. آیا در بحث از مدیریت اطلاعات باید به این موارد توجه و تمرکز صورت بگیرد؟ در یک پاسخ اجمالی می‌توان گفت، همان‌طور که در بحث از فلسفه مدیریت اطلاعات مطرح شد، پاسخ به این سؤال به فلسفه کار ما بستگی دارد. اگر نگاه مدیریتی باشد، سازمان اولویت دارد و اگر نگاه اطلاعاتی باشد، این مفهوم به‌طور کلی مورد توجه قرار می‌گیرد، و البته این نگرش کلی هم به معنای نادیده گرفتن سازمان نیست؛ اما این پاسخ اجمالی و کوتاه تا حدودی نارسا به نظر می‌رسد و قادر نیست در مقابل خیل عظیم سؤالاتی که در این نوشتار مطرح شد و یا سرگشتگی‌هایی که نسبت به درک جامع جایگاه مدیریت اطلاعات وجود دارد، پاسخگو باشد. از این‌رو، در پاسخ به سؤالات مطرح شده از ابتدای این نوشتار تا اینجا، و در یک نگاه کلان و کل‌نگر باید دید از چه زوایایی می‌توان مفهوم «مدیریت اطلاعات» را به‌صورت جامع تبیین کرد. در ادامه، قبل از هر چیز محورهای اصلی قابل تصور، سپس توصیف هریک از محورها و جزئیات آن‌ها، به‌گونه‌ای منسجم‌تر از آنچه که تاکنون در این نوشتار بحث شد، مورد توجه قرار می‌گیرد. محورهای اصلی تبیین مفهوم «مدیریت اطلاعات» عبارتند از:

✦ از زاویه دید علوم

- ✦ دو رویکرد اصلی علوم: (۱. علوم اجتماعی و انسانی، ۲. علوم طبیعی و پایه)،
- ✦ نگاه رشته‌ای (از منظر همه رشته‌های علمی مثل نگاه تاریخی، فلسفی، و جامعه‌شناختی)

– سه رشته اصلی:

– نگرش تکنولوژیکی

– نگرش مدیریتی

– نگرش اطلاعاتی

- فرآیندی

- اولویت‌ها و اولویت‌بندی

- توجه به ابعاد نظری و کاربردی

- نگاه برون‌رشته‌ای و درون‌رشته‌ای به مدیریت اطلاعات در هریک از رشته‌ها

- به‌عنوان بخشی از تک‌تک حوزه‌های علمی

- به‌عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای (نگرش تلفیقی).

✦ از زاویه دید سطوح مدیریت اطلاعات

- مدیریت اطلاعات فردی و شخصی

- مدیریت اطلاعات گروهی و سازمانی

- مدیریت اطلاعات ملی

- مدیریت اطلاعات بین‌المللی

✦ از زاویه دید متون، مستندات و نوشتارها (رویکرد مدرک‌گرا و کتاب‌شناختی)

- توجه به ترکیبات اطلاعات

- کاربردهای عمومی مدیریت اطلاعات

- نگرش واژگانی به دو مفهوم مدیریت و اطلاعات

- نگرش فرآیندی در قالب پیوستار داده، اطلاعات، دانش و خرد

- دیگر نگرش‌ها مانند نگرش تاریخی و جغرافیایی یا نگرش کلان-خرد به مدیریت اطلاعات.

یکی از اصلی‌ترین محورهای تبیین مفهوم مدیریت اطلاعات توجه به این مفهوم از زاویه دید علوم و دانش به‌طور کلی است. بنابراین، در یک نگاه کلان و کل‌نگر، لازم است از زاویه دید کلیت علم و دانش به مفهوم مدیریت اطلاعات توجه شود و رویکردهای عمده علم به مدیریت اطلاعات، شناسایی و تدوین گردد. در این محور می‌توان پرسید «مدیریت اطلاعات» در کجای علم و دانش قرار می‌گیرد؟ برای پاسخ به این سؤال باید با یک نگرش کلان و کل‌نگر، کلیت علم، و رویکردها و بخش‌های غالب آن‌را تصور کرد. در این نگاه و در فضای کلی علم و دانش، به‌صورت‌های مختلف می‌توان از دریچه‌های اصلی و کلی علم به مدیریت اطلاعات نظر کرد. دسته‌بندی‌های مختلفی از علم وجود دارد. یک نوع از این دسته‌بندی‌ها در قالب رشته‌های شناخته شده و کلاسیک علم ارائه شده‌اند، که به‌طور کلی در دو حوزه عمده علوم طبیعی و پایه (رویکرد فیزیکی) و علوم اجتماعی و انسانی (رویکرد شناختی) قرار می‌گیرند. پس رویکردهای عمده علم و دانش که نماینده دسته‌بندی علوم به دو دسته علوم طبیعی و پایه و علوم اجتماعی و انسانی هستند، رویکرد فیزیکی و رویکرد

شناختی می‌باشند. مطمئناً مدیریت اطلاعات در چارچوب معمول، شناخته شده و کلاسیک علم نمی‌گنجد؛ زیرا جایگاه سیال و به‌روزتری از این ابعاد قدیمی علم دارد. در عین حال در هر دو مقوله فوق حضوری جدی دارد و از هر دو منظر می‌توان و باید به آن توجه کرد. اساساً نظریه‌های بنیادین اطلاعات (نظریه‌های ریاضی و معناشناختی اطلاعات) حاصل همین نگاه هستند و در همین دو محور تدوین شده‌اند.

غیر از توجه به این دو رویکرد اصلی علم، از زاویه همه رشته‌های علمی هم می‌توان به مدیریت اطلاعات نظر کرد. نگاه تاریخی، فلسفی، جامعه‌شناختی، مدیریتی، تکنولوژیکی و اطلاعاتی نمونه‌هایی از این موضوع هستند. اساساً نگرش فناورانه به مدیریت اطلاعات در طیف رویکرد فیزیکی به اطلاعات قرار می‌گیرد و نگرش‌های مدیریتی و اطلاعاتی در ذیل رویکردشناختی قابل توجه هستند. از سوی دیگر، نوعی از مدیریت اطلاعات در همه رشته‌های دانش وجود دارد که با تعبیرهای مختلفی می‌توان از آن یاد کرد. برای مثال برخی آن را با استفاده از فناوری اطلاعات، یا با نوعی مدیریت که در دل رشته‌ها نهفته است، تعبیر می‌کنند. تعبیر دیگر، توجه به رویکرد مورد نظر ما، یعنی رویکرد کتابشناختی و مدرک‌گرا و توجه به متون و نوشتجات همه حوزه‌هاست.

دیگر اینکه امروزه هر دو مفهوم مدیریت و مدیریت اطلاعات به‌طور کلی در ذیل علوم اجتماعی و انسانی قرار می‌گیرند. البته همان‌طور که گفته شد، توجه به اطلاعات در شکل فنی و جدید آن برگرفته از نظریه ریاضی اطلاعات و فناوری اطلاعات بوده است. به هر جهت، این سامانه کلی مقتضیات خاص خود را دارد و ترکیب مدیریت اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. غیر از زمینه‌های تاریخی و همبستگی اطلاعات و فناوری، دو نگرش عمده مدیریتی و اطلاعاتی در ذیل این سامانه قابل بررسی هستند. چنانچه کسی بدون توجه به این مباحث، این دو را، یکی و یا جدا بداند و با نظر خود تفسیر کند، راه به جایی نخواهد برد. اما با آگاهی از این مباحث پایه و بنیادین و همان‌طور که در بحث از فلسفه مدیریت اطلاعات گفته شد، هر کس قادر است رویکرد مورد توجه خود را در پیش بگیرد و با توجه به فلسفه و هدف ابتدایی و پایه خود، آن را تا ابعاد عملیاتی و کاربردی به‌خوبی و به‌گونه‌ای مناسب پیش ببرد و از نتایج آن بهره‌مند شود.

در هریک از این محورهای اصلی رویکردهای مختلفی قابل طرح هستند. در قدم اول و برای روشن شدن محورهای اصلی در رویکرد شناختی (در علوم اجتماعی و انسانی)، تفکرات مدیران و متخصصان علم اطلاعات درباره مدیریت اطلاعات را باید شناسایی و دسته‌بندی کرد. رویکرد سوم و گاهی مخفی و پرنفوذ هم رویکرد فناورانه است. البته این رویکرد از دید ما که متخصصان علوم اجتماعی و انسانی هستیم، مخفی است، وگرنه رویکرد غالب فنی و مهندسی به اطلاعات است و

البته در دل همه فعالیت‌های ما هم حضور دارد و یک محور قوی در مقابل کلیت علم است. برای همین رابطه علم و فناوری مثل قضیه مرغ و تخم مرغ شده است. ترکیبات پُرسامد علم اطلاعات، مدیریت اطلاعات، فناوری اطلاعات، علم و مدیریت اطلاعات، علوم و فناوری اطلاعات هم، بیانگر وجود این سه رویکرد غالب علمی، مدیریتی و فناورانه به اطلاعات هستند.

از منظر مدیریتی ممکن است مدیریت اطلاعات، اعمال فرآیندهای مدیریتی روی آنچه که از نظر مدیریت مهم است- مثل انسان، منابع سازمانی، یا ابزارها- تعریف شود. یا اعمال فرآیندهای مدیریتی روی فرآیند اطلاعات در یک سازمان مورد توجه باشد؛ یا اینکه استفاده از آخرین نظریه‌های مدیریت در یک سازمان و در ذیل پارادایم مدیریت اطلاعات مورد توجه باشد.

در مقابل از نگاه متخصصان علم اطلاعات، گاهی مدیریت اطلاعات همان علم اطلاعات و دانش‌شناسی یا کتابداری سابق است. یا مدیریت اطلاعات اعمال کتابداری نه به‌طور کلی، بلکه در یک سازمان خاص است. یا برای مثال مدیریت اطلاعات اعمال دیدگاه‌های مدیریت بر روی کتابخانه‌ها و نظام‌های اطلاعاتی است. در این صورت منظور از مدیریت اطلاعات بیشتر یاری گرفتن از اندیشه‌های مدیریتی در پیشبرد امور مراکز و نظام‌های اطلاعاتی است. پس توجه به مدیریت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی هم برداشت دیگری از مدیریت اطلاعات است. برداشت چهارم در این طیف، مدیریت فرآیند اطلاعات به روایت رشته ما است.

برداشت‌های متعدد دیگری هم در رشته ما وجود دارند. برای مثال قبلاً به رویکردهای تاریخی و فلسفی، رویکرد جامعه‌شناختی و مدیریتی، رویکرد تکنولوژیکی، توجه به آینده اطلاعات، رویکرد سازماندهی، اشاره شد. به‌علاوه، توجه به ابعاد مدیریتی، اجرایی و کاربردی در مقابل ابعاد نظری، دانشی و علمی، یا به‌عبارتی توجه به مدیریت اطلاعات در مقابل علم اطلاعات، یکی دیگر از این برداشت‌هاست. در یک برداشت تلفیقی به مدیریت اطلاعات و دانش در علم اطلاعات، به‌نظر می‌رسد در اینجا می‌توان رویکردهای دیگری هم به موارد فوق اضافه کرد. برای مثال:

۱. **رویکرد بنیادین و شناختی به مدیریت اطلاعات:** اگر بپذیریم که در آغاز راه هستیم، چاره‌ای جز پرداختن به مباحث بنیادی و پایه و ازجمله چرایی‌ها و چیستی‌ها، واژگان و مفاهیم، و تاریخ و فلسفه نخواهد بود. مسائلی که در مبانی رشته ما مطرح می‌شود و سرتیترهای مبانی در این مورد راهگشا خواهند بود.

۲. **رویکرد تجاری و مدیریت دانشی:** اگر بخواهیم از نظریه‌های نوین استفاده کنیم و این موضوع را به درخت دانش و دیدگاه‌های نوین مدیریتی و اطلاعاتی پیوند بزنیم، باید به‌سوی مدیریت دانش حرکت کنیم. پس می‌توان با حرکت به‌سوی پارادایم نوین، آن‌را در قالب مدیریت دانش طرح کرد. یا

حداقل نسبت دو عبارت مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش را با هم مورد بررسی قرار داد.

۳. **مدیریت اطلاعات تخصصی و رویکرد مبتنی بر یک بستر خاص:** در رشته ما مدیریت اطلاعات را می‌توان به یک موضوع خاص هم محدود کرد و مثل بحث‌های مرجع‌شناسی تخصصی و در قالب مدیریت اطلاعات در یک رشته خاص، پیگیری کرد.

۴. **عوامل پول‌ساز، تجاری و عوامل کلیدی موفقیت:** نوع دیگری از اولویت‌ها هم در مدیریت دانش با عنوان عوامل کلیدی موفقیت وجود دارد که ما را به عوامل اصلی هدایت می‌کند و از عوامل حاشیه‌ای بازمی‌دارد. در همین راستا، در متن بحث هم فهرستی از مهم‌ترین مباحث برای این درس در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی مطرح شد. البته موارد قابل طرح با توجه به دیدگاه بنیادی و پیش‌فرض‌های افراد ممکن است مورد اختلاف هم باشند.

در توجه به ترکیبات اطلاعات هم تمام ترکیبات گسترده اطلاعات را به‌نوعی می‌توان ترکیبات علم و مدیریت اطلاعات خواند و این نام را برای اصطلاح اعم کل ترکیبات انتخاب کرد. از میان ترکیبات اطلاعات، وقتی در ترکیب خاصی از اطلاعات مثل مدیریت اطلاعات وارد می‌شویم، مسأله، ابعاد جدید و جزئیات ریزتری پیدا می‌کند. برای مثال، برنامه‌ریزی، مسائل انسانی، مسائل مالی، مسائل بازاریابی، و تمام جزئیات حوزه مدیریت هم به ترکیب اطلاعات افزوده می‌شود. بررسی ترکیبات اطلاعات و استلزامات آن در بحث مدیریت اطلاعات حتی تعریف، مفهوم و فرآیند اطلاعات را نیز تغییر می‌دهد و مناسب آن حوزه خاص می‌کند. برای مثال در مدیریت، مفهوم اطلاعات بیشتر کاربردی و اجرایی است و فرآیند پوسدکوروب^۱ در مدیریت است و نه فرآیند اطلاعات در رشته یا نظریه‌های اطلاعات. اطلاعات در رشته ما، بیشتر به‌معنی دانش مدون و مضبوط است، اما در ترکیبات دیگر، علاوه بر این معنا در هر یک از آن ترکیبات، معنای خاص آن رشته‌ها را نیز به خود می‌گیرد (حیدری، ۱۴۰۱).

<http://stun.gom.ac.ir>

ترکیب مدیریت اطلاعات در علوم اجتماعی و انسانی به دو صورت قابل توجه است؛ از زاویه دید رشته علم اطلاعات و از زاویه دید رشته مدیریت؛ و در هر یک از این زوایا مقتضیات خاص آن حوزه غالب خواهد شد. باید دید هدف چیست؟ کدام برای ما اولویت دارد و مطابق شرایط و مسائل تصمیم گرفت. در حوزه مدیریت، اطلاعات در خدمت مدیریت بهینه انسان و اجتماع است. اطلاعات یکی از آخرین نموده‌های نظریه‌های مدیریتی است که فرآیند مدیریت را تسهیل می‌کند. در علم اطلاعات، اطلاعات کانون توجه است و مدیریت در خدمت اطلاعات قرار می‌گیرد. این دو

دیدگاه هرچه بیشتر جلو می‌روند، بیشتر از یکدیگر زاویه می‌گیرند. همین مسأله ممکن است نگاه انسانی و اجتماعی به اطلاعات را در مقابل نگاه تکنولوژیکی به اطلاعات تضعیف کند. در طول تاریخ هم، این جداسری‌ها، نگرش انسانی و اجتماعی به اطلاعات، مبانی و هویت ما را به خطر انداخته است.

بعد از انتخاب هر یک از دو رویکرد شناخته شده به مدیریت اطلاعات در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، که در دو رشته مدیریت و علم اطلاعات، واقعیت یافته‌اند، در مرحله بعد توجه به فرآیندها و انتخاب اولویت‌های مورد نظر از میان مسائل قابل مطالعه، مسأله دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. خود نگرش فرآیندی و توجه به فرآیندهای خاص هر رشته هم در ذیل توجه به هر یک از علوم به مدیریت اطلاعات، وجود دارد. اولویت‌بندی از بین هر فرآیند خاص و موضوعات قابل طرح در هر رشته هم، در همین بخش قابل توجه است. مثلاً در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی در طول زمان تغییر پارادایم‌ها، اولویت‌ها را نیز تغییر داده است. در مدیریت هم اندیشه‌های نوین اولویت‌های تازه‌ای را مطرح کرده‌اند. انتخاب این اولویت‌ها هم بستگی به درک و فهم هر فرد یا رشته از مبانی و مقتضیات زمان و توجه به مسائل و نیازهای روز جامعه و تلاش برای بازسازی منظومه‌های فکری و عملیاتی توسط هر رشته و یا فرد دارد. نقاط کانونی و اولویت‌ها با توجه به فلسفه و اصول قابل شناسایی هستند و جای نگرانی وجود ندارد. البته این موارد برای کسانی روشن است که در موضوع تأمل و تفکر دارند، وگرنه، هر فرد یا رشته‌ای ممکن است راه خود را در هر یک از این بزنگاه‌های تصمیم‌گیری به اشتباه انتخاب و گم کند. نوع دیگری از دسته‌بندی‌های علمی، توجه به ابعاد نظری، کاربردی و تکنولوژیکی علم است. در همه علوم این سه زاویه و سه بُعد نظر، عمل و فناوری وجود دارد. شناخت ابعاد نظری، کاربردی و تکنولوژیکی اطلاعات هم مستلزم توجه به این سه بُعد است. پس، هر یک از علوم و مسائل از جمله مدیریت اطلاعات را می‌توان از این سه منظر هم نگاه کرد. یا اینکه علم اطلاعات را، بُعد نظری، مدیریت اطلاعات را، بُعد کاربردی و فناوری اطلاعات را، بعد تکنولوژیکی «علم، مدیریت و فناوری اطلاعات» دانست.

در نهایت اگر بپذیریم که در کار روی ابعاد نظری، عملی و تکنولوژیکی مدیریت اطلاعات در رشته خود در آغاز راه هستیم و بپذیریم که کارهای پراکنده و حتی سودمندی در این حوزه انجام شده است، اما هنوز یک یا چند دیدگاه قابل اجماع شکل نگرفته است؛ لازم است ریشه‌ای‌تر و به‌صورت بنیادین با این حوزه روبرو شویم. بنابراین، ابتدا باید به چرایی‌ها و ضرورت بحث و طراحی برنامه‌ای برای پیشبرد بحث توجه شود. در بحث از فلسفه و چرایی باید به این موضوعات پرداخت که مدیریت اطلاعات چه ضرورت‌ها و اهمیتی دارد؟ پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی مدیریت اطلاعات کدامند؟

یا دیدگاه‌ها و مکاتب فلسفی و مدیریت اطلاعات و دانش چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؟ هرگاه ضرورت بحث محرز شد، اولین قدم تلاش در جهت روشن نمودن واژگان و مفاهیم پایه است. در این راستا، پیام نهایی این پژوهش علاوه بر تبیین رویکردهای عمده به مدیریت اطلاعات، توجه به ضرورت شکل‌گیری یک سامانه مفهومی برای مدیریت اطلاعات در علم اطلاعات و دانش‌شناسی است. ایجاد و توسعه یک سامانه مفهومی برای مدیریت اطلاعات در علم اطلاعات و دانش‌شناسی، مستلزم توجه به مفاهیم و واژگان و چستی این حوزه در شکل جدید آن، یعنی گفتمانی و سامانه‌ای است. همه پیامدهای بعدی در ابعاد آموزشی، پژوهشی، عملی، مدیریتی، تکنولوژیکی، توسعه‌ای و آینده‌نگرانه مدیریت اطلاعات، پیامد حتمی و جبری این سامانه مفهومی و برآمده از آن است.

منابع

- بصیریان جهرمی، ر.، بصیریان جهرمی، ح. (۱۳۸۸). مدیریت اطلاعات: مفاهیم و کاربردها. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۲۴(۳): ۱۱۷-۱۳۶.
- حیدری، غ.ر. (۱۴۰۱). نظریه ترکیبات اطلاعات: نمایشی از عمق و گستره اطلاعات در ترکیبات اطلاعات. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۱۴(۲): ۱-۲۱.
- خادمی، ر.، حیدری، غ.ر. (۱۳۹۵). ترسیم ساختار موضوعی مدیریت اطلاعات با استفاده از روش همبندی واژگان طی سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۲. علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۲(۲): ۵۹-۹۳.
- دادخواه، م.، کاهانی، م. (۱۳۹۶). مدیریت اطلاعات با استفاده از تکنولوژی وب معنایی. رهیافت، ۲۷(۶۸): ۴۳-۶۰.
- صباغی‌نژاد، ز.، حیدری، غ.ر. (۱۳۹۴). پانزده تعریف از مدیریت اطلاعات. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۷(۱۶): ۵۸-۳۹.
- محمدیاری، ب. (۱۴۰۰). بررسی سیر تحولات دانش مدون و عوامل تأثیرگذار بر آن پس از ورود فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی تاکنون به منظور شناخت وضعیت فعلی و پیامدهای آن در ایران. رساله دکتری. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران.
- مرادی، غ.ر.، آصف‌زاده، س. (۱۳۸۳). مدیریت اطلاعات (دانش). مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ۸(۱): ۷۵-۸۵.
- یورلند، ب. (۱۳۸۱). نظریه و فرائط در علم اطلاع‌رسانی: تفسیری جدید. ترجمه م. داودی. در: ع.ر. بهمن‌آبادی، مبنای، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی (گزیده مقالات). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: ۴۲۵-۴۴۸.

References

- Basirian Jahromi, R. & Basirian Jahromi, H. (2009). Information Management: Concepts and Application. *Information Processing and Management*, 24(3): 117-136.
- Basirian Jahromi, R. & Basirian Jahromi, H. (2009). Information Management: Concepts and Applications. *Journal of Information Processing and Management*, 24(3): 117-136. [in persian]
- Dadkhah, M. & Kahani, M. (2017). Information Management Using Semantic Web Technology. *Rahyافت*, 27(68): 43-60. [in persian]
- Dadkhah, M. & kahani, M. (2017). Using Semantic Web Technology for Information Management. *Rahyافت*, 27(68): 43-61.
- De Freitas, V. & Yaber, G. (2018). Information management as a determinant of success in knowledge management systems. *Business, Universidad del Pacifico (Lima, Peru)*, 10(2): 88-108.
- Floridi, L. (2004). LIS as Applied Philosophy of Information: A Reappraisal. *Library Trends*, 52(3): 658-665.
- Heidari, G. (2022). Information combinations theory: depth and range (theory and practical dimensions) of Information in Information combinations. *Studies in Library and Information Science*, 14(2): 1-21. <https://doi.org/10.22055/slis.2023.13113.1065>
- Heidari, G.R. (1401). Theory of information combinations: A demonstration of the depth and breadth of information in information combinations. *Library and Information Science Studies*, 14(2): 1-21. [in persian]
- Hjorland, B. (2002). Theory and Meta-Theory in Information Science: A New Interpretation.

- Translated by M. Davoodi. In: A.R. Bahmanabadi, *Foundations, History and Philosophy of Information Science (Selected papers)*. Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran: 425-448.
- Kaur, B. (2012). Information Management. *International Journal of Computers & Technology*, 3(3).
- Khademi, R. & Heidari, G. (2016). Mapping the intellectual structure of Information Management using Co-words during 1986 to 2012. *Sciences and Techniques of Information Management*, 2(2): 59-93. <https://doi.org/10.22091/stim.2016.717>
- Khademi, R. & Heidari, G.R. (2016). Delineating the thematic structure of information management using the vocabulary correlation method during the years 1986 to 2012. *Sciences and Techniques of Information Management*, 2(2): 59-93. [in persian]
- MohammadYari, B. (1400). *Investigating the evolution of codified knowledge and the factors affecting it after the arrival of modern information and communication technologies to date in order to understand the current situation and its consequences in Iran*. PhD thesis. Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University. [in persian]
- Moradi G, & Asefzadeh S. (2004) Information (knowledge). *management. J Inflamm Dis*, 8(1): e155023.
- Moradi, G.R. & Asefzadeh, S. (2004). Information Management (Knowledge). *Scientific Journal of Qazvin University of Medical Sciences*, 8(1): 75-85. [in persian]
- Rojas, M., Kathuria, A. & Konsynski, B. (2021). Competitive Brokerage: How Information Management Capability And Collaboration Networks Act As Substitutes. *Management information systems*, 38(3): 667-703.
- Sabbaghinejad, Z. & Heidari, G. (2016). 15 definitions of Information Management (IM). *Journal of Studies in Library and Information Science*, 7(2): 39-58. <https://doi.org/10.22055/slis.2016.12034>
- Sabbaghinejad, Z. & Heidari, G.R. (2015). Fifteen definitions of information management. *Library and Information Science Studies*, 7(16): 39-58. [in persian]
- Sharma, A., Rana, N.P. & Nunkoo, R. (2021). Fifty years of information management research: A conceptual structure analysis using structural topic modeling. *International Journal of Information Management*, no. 58.
- Wersig, G.(1993). Information science: The study of postmodern knowledge usage. *Information Processing & Management*, 29(2): 229-239.
- Yorland, B. (2002). *Theory and Metatheory in Information Science: A New Interpretation*. Translated by M. Davoudi. In: A.R. Bahmanabadi, *Foundations, History and Philosophy of Information Science (Selected Articles)*. Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran: 425-448. [in persian]